



## حقوق طبیعی چیست و چه ارتباطی با حقوق بشر دارد؟

اعلامیه حقوق بشر در حد انجیل نزد فیلسوفان حقوق غربی محترم است اما سوال اساسی آن است که این اعلامیه از کجا اعتبار و مشروعیت پیدا کرده است؟

اعلامیه حقوق بشر در حد انجیل نزد فیلسوفان حقوق غربی محترم است اما سوال اساسی آن است که این اعلامیه از کجا اعتبار و مشروعیت پیدا کرده است؟

به گزارش خبرنگار مهر، گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر برخی از پرتعدادترین سؤالاتی که توسط مردم از مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی پرسیده می شود را برای آگاهی مخاطبان ارائه می کند.

حقوق طبیعی چیست و چه ارتباطی با حقوق بشر دارد؟ اعتبار حقوق بشر از کجاست؟ (۱)

انسان موجودی است که زندگی اجتماعی برای او ضرورت دارد، زیرا در غیر این صورت ابعاد گوناگون وجودی او شکوفا نخواهد شد و از رسیدن به مصالح خود چه در زندگی دنیا و چه در زندگی آخرت باز خواهد ماند. اما چون زندگی اجتماعی بدون وجود مبنایی برای نظم و تامین حقوق افراد و تعیین وظایف ایشان، هرگز ره به جایی نخواهد برد و هر لحظه شاهد هرج و مرج خواهد بود، ناچار باید قانون بر زیست جمعی حاکم باشد تا مصالح شهروندان به خوبی تأمین شود.

ولی نکته اساسی آن است که قانون باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند سعادت انسان را تأمین کند؟ اینجاست که مکاتب مختلف دیدگاه‌های متفاوتی عرضه کرده‌اند. از جمله برخی گفته‌اند قانون تنها باید نظم و امنیت را در جامعه تأمین کند. گروهی دیگر معتقد شده‌اند که قانون علاوه بر نظم و امنیت باید عدالت را نیز در جامعه تأمین نماید. (۲) در همین راستا، کسانی گفته‌اند که نباید قوانینی در جامعه به اجرا گذاشته شود که خلاف حقوق طبیعی انسان‌ها باشد.

در هر حال یکی از مکاتب فلسفه حقوق، مکتب حقوق طبیعی است که از یونان باستان تاکنون طرفدارانی داشته است و در دفاع از آن سخنان تند و افراطی بسیار گفته شده که ما را با آن کاری نیست. به هر حال، عاقلانه ترین معتدل ترین و سالم ترین مطلبی که در باب حقوق طبیعی در طول تاریخ گفته شده است، این است که اگر چیزی مقتضای طبیعت کلی انسان‌ها بود باید تحقق یابد. نباید انسان را از آنچه مقتضای کلی طبیعتش می‌باشد، محروم کرد، مانند نیاز انسان‌ها به غذا خوردن، سخن گفتن و ... که هیچ انسانی نباید از آنها محروم بماند. ما نیز معتقدیم که آنچه مقتضای طبیعت انسان است و طبعاً بین همه انسان‌ها مشترک است، نباید انسان را از آن محروم کرد. در تایید این مطلب هم استدلال‌های عقلانی وجود دارد که فعلاً درصدد بیان آن نیستیم.

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز که امروزه در حقوق بین الملل مطرح است، با تکیه بر همین حقوق طبیعی انسان‌ها به تدوین درآمده است. در این اعلامیه حقوقی برای انسان‌ها مطرح شده است که از جمله آنها حق آزادی بیان، آزادی اختیار مسکن، آزادی اختیار شغل، آزادی مذهب و انتخاب همسر است. این اعلامیه ابتدا توسط نمایندگان ۴۶ دولت به امضا رسید و سپس به مرور زمان، کشورهای دیگری به آنها ملحق شدند و در نتیجه به صورت اعلامیه جهانی مطرح شد.

با این همه، درباره این اعلامیه بحث‌هایی مطرح شد، از جمله اینکه ریشه فلسفی مطالبی که شما با عنوان حقوق انسان‌ها مطرح می کنید و آنها را مطلق می دانید و معتقدید که هیچ کس نباید آنها را محدود کند چیست؟ و چه استدلالی برای آنها وجود دارد؟ و آیا این حقوق به طور مطلق فوق قانون اند و هیچ قانونی اجازه محدود کردن این حقوق را ندارد؟ و اگر آن حقوق محدودیت دارند، چه کسی حق تعیین این محدوده‌ها را دارد؟ حقیقت این است که خود نویسندگان اعلامیه و کسانی که آن را تفسیر کرده اند، غالباً از پاسخ دادن صحیح به این پرسش‌ها طفره رفته اند.

منشأ اعتبار حقوق بشر

اعلامیه حقوق بشر در حد انجیل نزد فیلسوفان حقوق غربی محترم است؛ می گویند: «این حقوق فوق قانون است و نمی توان آنها را محدود کرد» اما سوال اساسی آن است که این اعلامیه از کجا اعتبار و مشروعیت پیدا کرده است؟ آیا دلیل عقلی دارد؟ در پاسخ گفته‌اند از آنجا که نمایندگان کشورها آنرا امضا کرده اند، پس معلوم شد که اعتبارش تابع امضاء است. حال سوال

جدي اين است كه كساني كه اين اعلاميه را امضا نكرده اند و يا به صورت مشروط - و نه مطلق - امضا کرده اند چطور؟ آیا آنها هم باید بدون چون و چرا از آن تبعیت کنند؟ و آیا كساني كه اين اعلاميه را به نحو مطلق امضا کرده اند حق دارند كساني را كه آن را امضا نكرده اند و يا مشروط امضا کرده اند تحت فشار قرار دهند و آنها را ملزم به تبعیت کنند؟ مگر نه اين است كه به عنوان يك قرارداد بين المللي هر كس با امضا کردن قرارداد وارد آن مي شود و كساني كه آن را امضا نكرده اند و يا مشروط امضا کرده اند از همه يا بخشي از اين قرارداد بيرون اند. پس آیا عقلاً و منطقاً صحيح است كه كساني كه اصلاً يا به طور نسبي وارد اين قرارداد نشده اند را تحت فشار گذاشت و آنها را مجبور به اجرائي آن كرد؟

پی نوشت:

(۱) برگرفته از: پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، آیت الله محمدتقي مصباح يزدي، مركز انتشارات موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني(ره)، قم.

(۲) دیدگاه اسلام در اين باره آن است كه علاوه بر نظم و امنيت و عدالت، قانون بايد به گونه اي باشد كه سعادت دنيا و آخرت - هر دو - را تأمین نماید.